

وقایع بعد از سقوط آدم تا هجرت

که مجال زینت برای کس نماند و در نیوقت یکسال و نیم یکروز کم از مدت محاصره گذشته بود پس نمیشی صدق
با مردان متاعی از دروازه که برستان پادشاه کشته میشد پرون شدند و راه فرار پیش گرفتند و این
در سال بازو هم سلطنت صدق در روز نهم از ماه چهارم بود علی الهجده سپاه کلدانیون از کرختین صدق و مردانش
آگهی یافتند و از دینال ایشان بشتاب برق و باد شتافتند و قریب بار یکصد قیاد رسیدند و او را گرفتند
بر بستند و همچنان او را در سلاسل و اغلال کشیده جلد را بدرگاه بختصر آوردند پادشاه بابل غضبناک
روی با صدق آورد و گفت بجای آنکه ترا برآل بود ای پادشاهی دادم بر من بشوریدی و از فرمان من بدر شدی آن
بجای عمل خویش گرفتاری و بفرمودت از و فرزند صدق را در برابر چشم او بگشتند پس از آن حکم داد تا دیدگان او را ازین
برآوردند و قش را در سلاسل و اغلال کشیده بسوی بابل فرستاد و گفت همچنان تا روز مردن محبوس باشد و در
نهم از ماه پنجم از سال بیجده هم سلطنت بختصر بنوزردان که بزرگترین سپهسالاران وی بود در بیت المقدس حاضر
شد و بر حسب امر ملک بابل و خزانی آن شهری فراوان نمود چنانکه در جای خود مذکور شود

۴۸۲۵

طهور ساریا علیه السلام چهار هزار و هشتصد و هشت سال بعد از سقوط آدم بود

ساریا علیه السلام از جمله پیغمبران نبی اسرائیل است و لفظ ساریا با سین ممله و الف و رای بی نقطه و یای تحتانی و الف
و کبر یفت عبری معنی امیر خداست جنابش پوسته در بیت المقدس سکونت داشت و در مسجد اقصی روزگار بجا
میکداشت و مردم را بر راه راست میخواند و با شریعت موسی علیه السلام دعوت میفرمود تا آنگاه که بختصر بر بیت المقدس
غلبه یافت و آن بلده را فرو گرفت چنانکه مذکور شد بنوزردان سپهسالار وی بعد از پدرم و محمود پوار قلعه
و احراق بیت الله ساریا و صفینا و سه زن دیگر از خدام بیت الله را گرفته دست بر بست و ایشان را آورده
در ارض و بلاط بخدمت بختصر حاضر ساخت ملک بابل بفرمود تا آنحضرت را بدرجه شهادت رسانند علی بن ابی طالب

۴۸۲۸

بنای بوزنظیه چهار هزار و هشتصد و هشت سال بعد از سقوط آدم بود

بوزنظیس مردی از بزرگان مملکت ایتالیا بود چون امولیس که شرح حالش مذکور شد در آن مملکت قوی
و بانیزوی شد و هم بدان سر بود

مبدء اول از کتاب ناخ التواریخ

پوسته در فک و نطق لشکر پرداخته و مدد و ثغور مملکت را از سپاه پلکان محفوظ میداشت تا نوبتی که کهنه فرستاد
ایران را با فراسیاب نرگال قتال و جدال بالا گرفت و پادشاه ایران از ملوک اطراف که با وی از در افتاد
و فروتنی بودند لشکر بخوانست چنانکه در ذیل قصه کهنه و مرقوم افتاد و از جمله کس نیز پادشاه مین فرستاد و فرما
داد که هر چه تواند از مرد و مرکب دریغ نفرماید و ما بدست پادشاه ایران کس نماید ملک مین بر حسب فرمود
کهنه و سیاح را با سپاهی بی نیاز از اسب و صلاح بحضرت وی فرستاد تا بعد از فتح و غلبه با فراسیاب
رضت انصاف خوانسته بامین مراجعت کردند مدت سلطنت وی در مین صد و شصت و سه سال بود

ظهور خرقیل علیه السلام چهار هزار و هشتصد و سی سال بعد از مبدء آدم بود

۴۸۳

خرقیل علیه السلام از جمله پسران بنی اسرائیل است و لفظ خرقیل یعنی بختیاری و حامی مهد مفتوح و زیا
معه ساکن و قاف کس و کسب سزده و بیای تختانی ساکن و لام در لغت عبری یعنی قوی کرده خداست
و معرب آن خرقیل است و آنحضرت را ابن العوز نیز گویند از نبروی که مادر او در کبر سن خرقیل حامله شد
و همچنان جنابش را ذوالکفل نیز خوانند چنانکه در قرآن مجید باین نام بدانحضرت اشارت شده و این لقب بدان
که آن هنگام که بختیاری بیت المقدس کرد چنانکه مذکور شد و آل یهود را با سیری بدار الملک بابل آورد
خرقیل نیز در میان اسرا بود ایشان در حضرت او نالیدند که کار ما بکجا منتهی خواهد شد و این اسیری و گرفتاری بکجا
خواهد کشید آنحضرت فرمود که مدت اسیری و گرفتاری آل اسرائیل هفتاد سال خواهد کشید و من ضامنم که آنوقت
سال زیاده نشود و مسیحیان بود که آنحضرت فرمود چنانکه عنقریب در جای خود مرقوم افتد علی السجده چون
ذوالکفل را بضم من ترجمه کردند آنحضرت را بدین نام خوانند و جنابش در میان آنجا حلت سیرت و مروت
براه راست و شریعت موسی دعوت میفرمود و کتاب نبوت آنحضرت شش بر چهل و هشت فصل است همه شعر
بریند و مواظط و انهای اخبار آئیده چون آن کلمات از تسبیل مکاشفات است و مرموزات و از سبک قصص
و اخبار پیرون است لایق بنود که درین کتاب مبارک مرقوم شود مع القصة آنحضرت در بابل زیست تا از آنجا
رخت بدر برد و مدفن مبارکش هم در ارض بابل است قریب مشهد حسین بن علی علیه السلام

